



جناب آقای دکتر ایرانی

از وصول شمارهٔ چهارم مجلهٔ وزین گزارش میراث، متضمن مقالاتی سودمند، مانند دیگر ارمغانهای میراث مکتوب، مستفیض شدم؛ خاصه از مقالهٔ جالب آقای عنایت‌الله مجیدی در بارهٔ رشوندی بودن تبار میرزا کوچک‌خان. و نیز از مقالهٔ تحقیقی مفصل و پرسود آقای سیدعبدالرضا موسوی طبری با عنوان «درنگی در ابیات مبهم دیوان مسعود سعد سلمان»، آن شاعر رنج و محنت جانفرسای هفت‌سالهٔ زندان «سو» و «دهک» و سه‌سالهٔ «قلعهٔ نای» کشیده و جمعا نوزده سال از عمر عزیز در زندان و دور از خویشان و بستگان گذرانیده. سعیشان مشکور باد!

اما در مقالهٔ ممتّع اخیر دو نکته به نظر رسید که نقل آن را به قصد رفع نقص از اصل مقال، خالی از سودی ندیدم باشد که شبهی گردد کشیده شده در رشتهٔ گوهرهای اصل مقاله.

مورد اول اصلاحی است در بیت ۱۵ از قصیدهٔ ۹۹ مندرج در صفحهٔ ۲۳۹ چاپ آقای دکتر نوریان (از انتشارات کمال اصفهان، ۱۳۶۴ش) و صفحهٔ ۱۴۸ دیوان مسعود سعد سلمان مصحح مرحوم رشید یاسمی (از انتشارات مؤسسهٔ مطبوعاتی امیرکبیر، تهران چاپ اول، ۱۳۳۹ و دوم ۱۳۶۴ش).

«می خور به نشاط و طرب و شاد همی زی

بگسار می لعل و غم دین بیکبار»

گذشته از بحثی که منتقد محترم در بارهٔ آن کرده‌اند با نقل صورتهای دیگر، بیت به صورت فوق جز کلمهٔ آخر مصراع دوم صحیح است و کلمهٔ آخر تحریف یا تصحیف کلمهٔ «بَمَیْنِگار» است. مرکب از باء تأکید و میم نهی و صیغهٔ دوم شخص از مصدر انگاشتن یا انگاردن به معنی

به حساب آوردن و نیز به معنی تصور کردن.

مورد دوم بیت ۸۶ صفحهٔ ۷۹۴ چاپ دکتر نوریان و صفحهٔ ۵۶۶ چاپ یاسمی است چنین:
مست گردد چو پیل ماند پنج (?)

نقل سازد ز نارسیده ترنج
چاپ نوریان

مست گردد یو پیل با یک و پنج
نقل سازد ز نارسیده ترنج
چاپ یاسمی

اما صورت صحیح مصراع اول این است:

«مست گردد به پیلپایک پنج» و «پیلپا» نوعی قدهٔ باده‌خواری است و پیلپایک نوع کوچک‌تر آن قده. نظامی گنجوی می‌گوید (شرفنامه، چاپ ارمغان به تصحیح وحید دستگردی، چاپ اول، ۱۳۱۶ش، ص ۱۱۲):

چو در پیلپائی قده می کنم

به یک پیلپا پیل را پی کنم
پیلپای مصراع دوم به معنی نوعی حربه و گرز آهنی است.

حکیم فردوسی نیز می‌فرماید: «بدین پیلپا می خورای تو نیست.»

پس معنی مصراع اول بیت مسعود سعد این می‌شود که با نوشیدن پنج قدهٔ شراب (پنج پیلپایک) مست می‌گردد. توضیحاً اضافه می‌نماید که اولاً نقل به معنی آن چیزی است از نوع شیرینیها که سابقاً با شراب می‌خورده‌اند و بعدها آن را «مزه» اصلاح کردند. ثانیاً «قده» معنی امروزی را ندارد که نوعی کاسهٔ بزرگ است، قده در گذشته پیلالهٔ کوچک بوده است نظیر ماست‌خوری امروزی.

سیدمحمد دبیرسیاقی



گزارش میراث

جناب آقای دکتر ایرانی

مدیر محترم مرکز پژوهشی میراث مکتوب

با سلام و احترام، در شماره ۳۹ گزارش میراث نامه‌ای از پژوهشگر کوشا و دانشمند، جناب آقای کازوئو موریموتو انتشار داده‌اید که جالب و خواندنی بود. البته نام وی برای بنده نامی آشناست و هرچند تاکنون از نزدیک فرصت دیدار فراهم نشده است، اما با آثار و زمینه‌های پژوهشی ایشان، آشنایی کامل دارم، به‌ویژه آنکه یکی از مقالات وی با نام «شکل‌گیری علم انساب آل ابی‌طالب (ع) در قرون چهارم و پنجم» در سال ۱۳۷۵ در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (سال ۲۹) منتشر شده است و من که تمام دوران تحصیل خود را در این دانشگاه گذرانده و می‌گذرانم، سالها پیش آن را دیده و خوانده بودم. در آن مقاله یکی از کتابهایی که ایشان بدان فراوان مراجعه کرده بود، کتاب لباب‌الانساب بیهقی بود. بعدها که برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تصحیح تاریخ بیهقی را برگزیدم، این مقاله را بار دیگر خواندم و از آن بهره بردم.

نامه دلنشین و دقیق آقای موریموتو نشان می‌دهد که او در باره زندگی و آثار بیهقی پژوهشهای گسترده و عمیقی انجام داده است. او وعده داده که تک‌نگاری مفصلی (حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ صفحه) به زبان انگلیسی در پیرامون زندگی‌نامه علمی بیهقی انتشار خواهد داد که از هم اکنون آمادگی خود را برای ترجمه آن به زبان فارسی اعلام می‌دارم. گفتنی است پیش از این تک‌نگاری منتشر نشده، چندین اثر در این باره وجود دارد که جناب موریموتو به احتمال زیاد از آنها اطلاع دارد:

۱. «ابوالحسن بیهقی، فرید خراسان و شرح نهج‌البلاغه»، محمود مهدوی دامغانی، نشریه دانشکده علوم معقول و منقول مشهد، اسفندماه ۱۳۴۷.
۲. «معارج نهج‌البلاغه»، محمدتقی دانش‌پژوه، آینده، ۱۳۵۸ش، ش ۱۰-۱۲.
۳. «یادی دیگر از بیهقی مورخ فیلسوف»، محمدتقی دانش‌پژوه، آینده، ۱۳۶۰ش، ش ۳ و ۴.

4. “Life & Works of Zahiru’d-Din Al-Bayhaqi, The Author of the Tarikh-i-Bayhaq,” Q.S. Kalimullah Husaini, *Islamic Culture*, 1954.

5. “The Tarikh-i-Bayhaq of Zahiru’d-Din Abul

Hasan ‘Ali b. Abil Qasim Zayd Al-Bayhaqi,”

Q.S. Kalimullah Husaini, *Islamic Culture*, 1959.

6. “Contribution of Zahiru’d-Din Al-Bayhaqi to Arabic & Persian Literature”, Q.S. Kalimullah Husaini, *Islamic Culture*, 1960.

۷. مقدمه مفصل قاری سید کلیم‌الله حسینی بر تصحیح تاریخ بیهقی، ۱۹۶۸ (در اصل مجموع سه مقاله پیشین است).

۸. مقدمه اسعدالطیب بر چاپ جدید معارج نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰ (آقای موریموتو خود از این چاپ یاد کرده است).

۹. مقدمه محققانه یوسف الهادی بر ترجمه عربی تاریخ بیهقی، ۱۴۲۵ق/ ۲۰۰۴م (ترجمه آن به قلم این این‌جانب در مزدک‌نامه ۳ به چاپ رسیده است).

۱۰. «نهج‌البلاغه عبر القرون»، عبدالعزیز طباطبایی، تراث، سال ۹، ش ۴ (۳۷)، ۱۴۱۴ق.

۱۱. «بیهقی، ابوالحسن»، علی بهرامیان، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۲، ۱۳۸۶ش.

بی‌تردید این فهرست قابل‌گسترش است، اما فعلاً تنها آنچه را در ذهن داشتم، به کاغذ منتقل کردم.

جناب آقای موریموتو در سال ۱۳۸۶ش در انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، سخنرانی جالبی با عنوان «ابن فندق و ادبیات عربی» و زیر عنوان «نگرشی به اوضاع فرهنگی - اجتماعی خراسان در اواخر دوره سلجوقی» ایراد کرده است که نامه منتشر شده نشان می‌دهد، ایشان همچنان این موضوع را پی گرفته و پژوهشهای خود را بر آن متمرکز ساخته‌اند و از این رهگذر تصحیح و انتشار دو کتاب از اَهِیر الریاض المریعه و غرر الامثال بیهقی را به مرکز میراث مکتوب پیشنهاد داده‌اند. باید عرض کنم که این‌جانب از همان هنگام که تصحیح کتاب تاریخ بیهقی را آغاز کردم، به دنبال دیگر آثار بیهقی نیز بودم. در این میان حدود یک سال پیش، نسخه غرر الامثال را به دست آوردم و از همان هنگام تصحیح آن را با همکاری و همیاری یکی از دوستان فاضل عربی‌دان، آقای علیرضا کاظمی، آغاز کردم. البته از آنجا که نسخه منحصر به فرد است، تصحیح آن به کندی پیش می‌رود.

جناب موریموتو از چاپ قسمت حرف الف این کتاب

توسط دکتر حسن‌الصغیر در فرانکفورت یاد کرده‌اند. باید یادآوری کرد که چاپ عکسی کل کتاب نیز به کوشش سید محمدحسین حسینی جلالی در شیکاگو منتشر شده است که نگارنده تاکنون نتوانسته نسخه‌ای از آن را به دست آورد. بی‌تردید پیش روی داشتن این نسخه‌برگردان می‌تواند نگارنده و جناب کاظمی را در امر تصحیح یاری دهد. همچنین ایشان در پانوشت‌نامه از مقاله رودولف زلهایم یاد کرده‌اند که برای خوانندگان فارسی‌زبان باید خاطرنشان نمود که ترجمه این مقاله سودمند، به صورت پیوست هفتم در کتاب امثال کهن عربی، ترجمه احمد

شفیعیها منتشر شده است. این اثر ترجمه‌ای است از کتاب زلهایم و مقالات او در زمینه امثال و امثال‌نامه‌ها که در سال ۱۳۸۱ش از سوی مرکز نشر دانشگاهی به زیور طبع آراسته شده است.

در پایان موفقیت و کامیابی جناب موریموتو را خواستارم و پژوهشهای دقیق و عمیق ایشان را به‌ویژه در باره ابوالحسن بیهقی و آثارش، چشم انتظارم. همچنین پابندگی و جوشندگی مرکز پژوهشی میراث مکتوب را نیز آرزومندم.

سلمان ساکت

